



A Comparative Study of the Qur'an's Preservation from the Perspectives of 'Allāmah Ḥasan-zādeh Āmolī and Āyatollāh Ma'rifat

Ensie Sadat Dorri^{a*}

^a PhD Student, Quranic and Hadith Sciences, Allameh Askari International University, Qom, Iran

KEYWORDS

Allāmeḥ Ḥasan-zādeh, Āyatollāh Ma'rifat, *Tahṛīf* (Distortion), Arrangement of Verses and Chapters, Qur'anic Readings (Qirā'āt)

Received: 14 November 2025;
Accepted: 15 April 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/ij.2026.2077847.1057

ABSTRACT

The question of the Qur'an's incorruptibility (*tahṛīf-ṣābiḥ*) constitutes one of the longstanding discussions in Islamic scholarship, and Qur'anic scholars have addressed it based on their respective interpretive principles and methodological foundations. This article examines, through a descriptive-analytical and comparative approach based on library research, the views of 'Allāmah Ḥasan-zādeh Āmolī and Āyatollāh Ma'rifat regarding the alleged distortion of the Qur'an. The findings indicate that both scholars firmly affirm the absence of any distortion in the divine text and have authored works aimed at explaining the preservation of the Qur'an and responding to doubts concerning its alteration. Despite this shared position on the fundamental principle, certain differences appear in their detailed arguments. 'Allāmah Ḥasan-zādeh, in explaining the absence of distortion, refers to the process of the Qur'an's compilation during the lifetime of the Prophet Muḥammad (PBUH) and maintains that the arrangement of both verses and sūrahs is *tawqīfī*—that is, divinely determined and carried out under the Prophet's instruction—which he regards as evidence for the impossibility of distortion. He also maintains that the variations in recitation that emerged after the Prophet's passing do not indicate distortion and considers the seven canonical readings acceptable except in rare anomalous cases. In contrast, Āyatollāh Ma'rifat holds that the compilation of the Qur'an took place after the Prophet's demise; however, he likewise regards the arrangement of verses as *tawqīfī*, while maintaining that the arrangement of sūrahs resulted from the *ijtihād* of the Companions. Moreover, he considers only the widely transmitted recitation among Muslims—namely the recitation of 'Āṣim as transmitted by Ḥaḥṣ—to be *mutawātir*, rejecting the *mutawātir* status of other readings. Accordingly, he regards the *mutawātir* transmission of this recitation as one of the key arguments for refuting claims of distortion in the Qur'an.

* Corresponding author.

E-mail address: ensdorri36@gmail.com





بررسی تطبیقی تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه حسن‌زاده و آیت الله معرفت

انسیه‌سادات درّی الف*

الف دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی علامه عسکری، قم، ایران، ensdorri36@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>مسئله «تحریف‌ناپذیری قرآن» یکی از مباحث ریشه‌دار در متون دینی است که اندیشمندان قرآن‌پژوه، بر اساس مبانی و روش‌های تفسیری خود، به آن پرداخته‌اند. این مقاله با جستجو در منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به صورت تطبیقی، دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی و آیت‌الله معرفت را در باب تحریف قرآن بررسی می‌کند. این پژوهش با بررسی دیدگاه هر دو اندیشه‌مند، به این نتیجه می‌رسد که هر دو عالم، قائل به عدم تحریف کلام خداوند هستند و برای تبیین چگونگی حفظ و صیانت قرآن از شبهه تحریف، آثاری را نگاشته‌اند. با این حال، تفاوت‌هایی در آراء این دو اندیشمند مشاهده می‌شود، هرچند در اصل مطلب اختلافی ندارند.</p> <p>علامه حسن‌زاده، در تبیین عدم تحریف، به کیفیت جمع‌آوری قرآن در زمان رسول اکرم (ص) اشاره کرده و معتقد است که ترتیب آیات و سوره «توقیفی» بوده و به دستور پیامبر (ص) انجام شده است. وی این امر را نشانه‌ای بر عدم وقوع تحریف می‌داند. همچنین، اختلاف قرائتی که پس از رحلت پیامبر (ص) پدید آمد را دال بر تحریف ندانسته و قرائات هفتگانه را جز در موارد شاذ، پذیرفتنی می‌شمارد.</p> <p>در مقابل، آیت‌الله معرفت، با وجود اینکه جمع‌آوری قرآن را پس از رحلت پیامبر (ص) می‌داند، اما به توقیفی بودن ترتیب آیات رأی داده و معتقد است ترتیب سوره با اجتهاد صحابه صورت گرفته است. ایشان تنها قرائت متداول میان مردم (قرائت عاصم به روایت حفص) را متواتر دانسته و تواتر قرائات دیگر را رد می‌کند. بدین ترتیب، ایشان تواتر قرائت عاصم را یکی از دلایل ابطال شبهه تحریف قرآن برمی‌شمارد.</p>	<p>علامه حسن‌زاده، آیت‌الله معرفت، تحریف، ترتیب آیات و سوره، قرائات</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۵</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

از دیر زمان بحث تحریف قرآن کریم از سوی برخی منشأ ایجاد شبهه شد و عالمان دیندار و محققان را برآن داشت تا در مقابل آن ایستادگی کرده و شبهات را برطرف سازند. در این بین کتاب‌های بسیاری نگاشته شده از جمله کتاب "نفی التحریف عن القرآن الشریف" از ابوالحسن علی واحدی نیشابوری (۳۹۸-۶۸۸ق) و "رساله فی نفی النقیصه" از علی بن عبد العالی کرکی (م ۹۴۰ق) و "کشف الحجاب و النقاب فی وجه تحریف الکتاب" از ملا محمد سلیمانی (ق ۱۲) و "تواتر القرآن" از محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق) و "کشف الارتیاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب" از محمود بن ابی القاسم مشهور به معرب تهرانی (چاپ ۱۳۰۳ق) و... (رک: استادی، تهران، بی‌تا، ص ۱۸-۲۰ و نصیری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹-۲۱)

علامه حسن‌زاده آملی بحث تحریف را در رساله‌ای به نام "فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب" که نگاشته‌ای است در رد کتاب محدث نوری به انجام رسانیده است. آیت‌الله معرفت نیز در آثاری مانند التمهید فی علوم

القرآن و صیانه القرآن من التحریف به این موضوع پرداخته است.

در رساله فصل الخطاب علامه حسن‌زاده که به گفته خود ایشان جهت جلوگیری از اطاله کلام به طور مختصر و موجز بیان شده، تحریف را در جابجایی آیات و سوره و کم و زیاد شدن چیزی حتی حروف و علائم آن می‌داند. (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۵) آیت الله معرفت به طور کامل تر تحریف را در هفت معنا مطرح می‌کند: تحریف معنوی، تحریف موضعی یعنی جابجایی آیات و سوره‌ها برخلاف ترتیب نزول، تحریف در قرائت یعنی کلمه‌ای را برخلاف قرائت متداول تلاوت کردن که حاصل اجتهاد قاریان است، تحریف در ادای کلمات مثل لهجه‌های قبایل عرب، تحریف در تبدیل کلمه به کلمه‌ای دیگر، تحریف به زیادت، تحریف به کاستی. (رک: معرفت، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۵-۳۸). این پژوهش به تبیین پاره‌ای از دلایل عدم تحریف از منظر هر دو اندیشه‌مند در زمینه ترتیب آیات و سوره (تحریف موضعی) و قرائت (تحریف در قرائت) می‌پردازد.

۲. توقیفیت ترتیب آیات

توقیفیت، به معنای وابستگی به اجازه شارع است. توقیفی بودن ترتیب آیات به این معناست که چینش آیات، متوقف بر دستور پیامبر (ص) بوده که از طریق جبرئیل و با اذن خداوند به ایشان وحی شده است. اکثر عالمان اسلامی، از جمله زرکشی، بر توقیفی بودن ترتیب آیات اتفاق نظر دارند. زرکشی معتقد است ترتیب آیات و قرار گرفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای هر سوره، بدون شک توقیفی است (زرکشی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۲۳). روایاتی در صحیح بخاری نیز به نقل از ابن زبیر، به این موضوع اشاره دارد که عثمان از نوشتن آیه «۲۳۴ بقره» پس از نسخ شدنش امتناع کرد، زیرا مکان چیزی را تغییر نمی‌داد (صبحی صالح، ۱۳۷۲ ش، ص ۷۰).

در میان اندیشمندان شیعه، سید مرتضی علم‌الهدی و آیت الله خوبی بر این باورند که قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) شکل گرفته است (معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۷). اما علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، دیدگاه متفاوتی داشته و به دخالت صحابه در چینش آیات اشاره می‌کنند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ص ۱۲۸). با این حال، ایشان در کتاب «اسلام و قرآن» تأکید می‌کنند که بسیاری از سوره‌ها پیش از رحلت پیامبر (ص) رواج داشته و نام برخی سوره‌ها مانند طوال، مئین، مثنی و مفصلات در احادیثی از زمان پیامبر (ص) ذکر شده است (طباطبائی، ۱۳۵۳ ش، ص ۱۹۰). علامه حسن‌زاده نیز معتقد به توقیفی بودن ترتیب آیات بوده و دلایل نقلی برای اثبات آن ارائه می‌دهند. آیت الله معرفت نیز ترتیب آیات را توقیفی دانسته و معتقدند چینش کنونی سوره‌ها غالباً به ترتیب نزول بوده است، هر چند برخی آیات نیز به دستور پیامبر (ص) در جایگاه خاصی قرار گرفته‌اند. ایشان می‌فرمایند: «ترتیب، نظم و عدد آیات هر سوره در زمان حیات پیامبر و به دستور ایشان انجام شده و توقیفی است و باید آن را تعبداً پذیرفت» (معرفت، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۷۵).

۱.۲. دلایل نقلی

علامه حسن‌زاده آملی و آیت الله معرفت، بر این باورند که اخبار متواتر حاکی از آن است که آیات قرآن به دستور پیامبر اکرم (ص) در جایگاه خود قرار گرفته‌اند.

علامه حسن‌زاده به روایتی از ابن عباس استناد می‌کند که در آن از عثمان درباره دلیل آغاز نشدن سوره توبه با «بسم

الله الرحمن الرحیم» پرسیده شد. عثمان پاسخ داد که پیامبر (ص) هنگام نزول آیات یا سور، دستور قرار گرفتن آن‌ها را صادر می‌فرمودند و درباره «بسم الله» سوره توبه، تا زمان حیات پیامبر (ص) دستوری مبنی بر جایگاه آن صادر نشد (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۱، ص ۶). علامه همچنین به اشارات زمخشری در «کشاف» و سیوطی در «الاتقان» و سایر دانشمندان در این زمینه اشاره دارد. ایشان همچنین روایتی از ابن عباس و سدی درباره قرار گرفتن آیه ۲۸۱ بقره در جایگاه خود نقل می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۲۲ و حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۲).

آیت‌الله معرفت معتقدند که نظم طبیعی قرآن با نزول «بسم الله الرحمن الرحیم» برای هر سوره آغاز می‌شد و آیات به ترتیب نزول در آن قرار می‌گرفتند. گاه نیز آیه‌ای نازل می‌شد که به دستور پیامبر (ص) در میان آیات قرار داده می‌شد، مانند آیه ۹۰ سوره نحل و آیه ۲۸۱ سوره بقره (معرفت، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۷۶ و ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۷). آیت‌الله معرفت به دسته‌ای از آیات نیز اشاره می‌کنند که نصی بر چگونگی ترتیب آن‌ها نداریم؛ مانند تقدم آیه ۲۳۴ بقره بر آیه ۲۴۰ بقره (که گویی آیه ناسخ بر منسوخ مقدم شده است) و همچنین آیات سوره ممتحنه که برخی در سال هشتم، برخی در سال ششم و برخی در سال نهم هجری نازل شده‌اند (معرفت، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۸۰).

آیات قرآن کریم، مانند آیات ۲۳ بقره، ۳۸ یونس و ۱۳ هود، مدعیان و مخالفان اسلام را به مبارزه و تحدی فرا می‌خوانند. برخی مفسران معتقدند وجود این آیات، بر بیان و نظم قرآن دلالت دارد (کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۴، ص ۴۲۱ و بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۳۰). علامه حسن‌زاده آملی بر این باورند که این آیات به طور قطع نشان می‌دهند که ترکیب سوره‌ها و نظم آیات درون آنها در زمان حیات پیامبر (ص) به فرمان ایشان بوده است (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۲). ایشان استدلال می‌کنند که خود واژه «سوره» به معنای مجموعه‌ای از آیات است و این نظم و ترتیب، همراه با تعداد سوره (صد و چهارده سوره)، وجود «بسم الله» در ابتدای صد و سیزده سوره، عدم وجود آن در ابتدای سوره براءت، و آمدن حروف مقطعه در آغاز برخی سوره، همگی به دستور وحی و به صورت توقیفی انجام گرفته است (همانجا).

آیت‌الله معرفت، تحدی قرآن را اعجاز دائمی آن می‌دانند و معتقدند که کلام خدا، شامل مفردات، تنظیم جملات و کنار هم قرار دادن آیات، همگی از ناحیه وحی الهی است. ایشان بیان می‌کنند که اگر دخالت بشر در تنظیم قرآن پذیرفته شود، این به معنای ابطال تحدی و دعوت عمومی قرآن خواهد بود (معرفت، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴).

۳. توقیفیت ترتیب سوره

مفهوم توقیفیت ترتیب سوره‌ها به این معناست که چینش کنونی سوره‌ها در مصحف، مطابق با ترتیبی است که به دستور خداوند متعال و توسط جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) وحی شده است. در این خصوص میان عالمان اختلاف نظر وجود دارد.

بسیاری معتقدند که ترتیب کنونی سوره‌ها به فرمان پیامبر (ص) صورت گرفته است. سیوطی به نقل از کرمانی و بیهقی می‌گوید که ترتیب سوره‌ها در نزد خداوند و در لوح محفوظ نیز به همین شکل بوده و قرآن در زمان پیامبر (ص) نیز همین ترتیب را داشته است (سیوطی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۲۱۴ و ۲۱۵). علامه حسن‌زاده آملی نیز بر این باورند که سوره‌ها در زمان پیامبر (ص) و به دستور ایشان منظم شده و قرآن در همان زمان جمع‌آوری شده است (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۷). ایشان با استناد به ده‌ها حدیث که در کتب شیعه و سنی نقل شده، مانند حدیثی که پیامبر (ص) سوره‌های بقره و آل عمران را «زهراوان» (دو ستاره تابان) نامیده‌اند، یا حدیثی که برتری پیامبر (ص) با داشتن سوره

مفصلات بیان شده، نتیجه می‌گیرند که قبل از رحلت ایشان، سوره‌های قرآن منظم و مرتب شده و مردم با نام‌هایشان آشنا بوده‌اند (کاشانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۶۷ و حسن‌زاده، ۱۳۷۱ش، ص ۲۴-۲۵).

در مقابل، زرکشی به نقل از قاضی ابوبکر بن الطیب و مالک، معتقد است که چینش سوره‌ها به امت پیامبر (ص) سپرده شده و صحابه قرآن را بر اساس آنچه از پیامبر (ص) شنیده بودند، تالیف نمودند (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱ ص ۳۳۴-۳۳۵). آیت‌الله معرفت نیز بر این عقیده است که قرآن پس از رحلت پیامبر (ص) و در زمان خلفا جمع‌آوری شد و ترتیب سوره‌ها به اجتهاد صحابه صورت گرفته است (معرفت، ۱۳۹۰ش، ص ۱۰۸).

۱.۳. دلایل نقلی

الف: شناخته شدن سوره‌ها در زمان پیامبر (ص)

آیت‌الله معرفت، هرچند نام سوره‌ها و تعداد آیات هر سوره را توقیفی و به دستور پیامبر (ص) می‌دانند (معرفت، ۱۳۹۰ش، ص ۹۹-۱۰۳)، اما این موضوع را دلیل بر جمع‌آوری کامل قرآن در زمان پیامبر (ص) نمی‌دانند. ایشان به روایاتی اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد مردم در زمان پیامبر (ص) با سوره‌ها و نام‌هایشان آشنا بودند، اما این آشنایی را لزوماً به معنای چینش توقیفی سوره‌ها نمی‌گیرند.

ب: روایات جمع‌آوری قرآن

در خصوص زمان جمع‌آوری و تدوین قرآن کریم و همچنین ترتیب سوره‌ها، میان عالمان دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در روایات نیز بازتاب یافته است.

برخی روایات و دیدگاه‌ها، از جمله دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی، مؤید این است که قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) جمع‌آوری و تدوین شده است. ایشان با استناد به متونی که گردآورندگان قرآن در زمان پیامبر (ص) را معرفی می‌کنند، بر توقیفی بودن ترتیب سور تأکید دارند (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ش، ص ۲۶).

در مقابل، آیت‌الله معرفت به روایاتی استناد می‌کنند که جمع‌آوری قرآن را به زمان خلفا، به ویژه در زمان ابوبکر و به دست زید بن ثابت، نسبت می‌دهند. ایشان با اشاره به روایاتی مبنی بر پراکندگی قرآن بر روی پوست‌ها و استخوان‌ها پیش از جمع‌آوری توسط امیرالمؤمنین (ع) و مأموریت زید بن ثابت از سوی خلیفه برای کتابت قرآن، معتقدند که قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) جمع‌آوری نشده و چینش سوره‌ها نتیجه اجتهاد صحابه بوده است (معرفت، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۵؛ معرفت، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳ و ۱۰۸).

در مورد درخواست ابوبکر از زید بن ثابت برای کتابت قرآن، که در منابع معتبری چون صحیح بخاری، مصاحف سجستانی و الکامل ابن اثیر نقل شده است، دو فرض قابل طرح است:

- قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع نشده بود: در این صورت، زید بن ثابت آنچه را که از ترتیب سور مورد نظر پیامبر (ص) بوده، پیاده کرده است.
- قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع شده بود: در این صورت، زید بن ثابت همان نسخه جمع‌آوری شده را در زمان ابوبکر کتابت کرده است.

در هر دو فرض، نتیجه نهایی یکسان است: مراعات نظر و ترتیب مورد نظر رسول خدا (ص) در چینش سوره‌ها. این

موضوع، حتی با پذیرش جمع آوری قرآن در زمان خلفا، بر اهمیت نظر پیامبر (ص) در این زمینه تأکید می‌کند. این بحث نشان‌دهنده پیچیدگی موضوع و وجود روایات متعدد با تفاسیر گوناگون در خصوص چگونگی جمع آوری و ترتیب قرآن کریم است.

ج: روایات عرضه و سماع صحابه

روایات فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از صحابه، قرآن را در محضر پیامبر (ص) تلاوت می‌کردند یا پیامبر (ص) به یادگیری قرآن از افراد خاصی سفارش می‌فرمودند. این روایات از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی، گواه بر این است که قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع آوری شده بود. برای مثال، روایاتی ذکر شده که نشان می‌دهد صحابه‌ای چون امیرالمؤمنین (ع)، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و ابی بن کعب، قرآن را چندین بار به طور کامل در محضر پیامبر (ص) قرائت کرده و ختم نموده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۸). همچنین، روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که ایشان فرموده‌اند: «قرآن را از چهار نفر فرا بگیرید: عبدالله بن مسعود، سالم، معاذ و ابی بن کعب» (سیوطی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۲۳۹ و حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۸).

علامه حسن‌زاده با اشاره به این روایات و همچنین استدلال طبرسی به نقل از سید رضی که معتقد است صحابه قرآن را به همین ترتیب کنونی فرا گرفته و حفظ می‌کردند، نتیجه می‌گیرد که قرآن در زمان رسول خدا (ص) جمع آوری شده و کامل بوده است (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱، ص ۲۷-۲۸؛ حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۹).

در مقابل، آیت‌الله معرفت معتقد است که حافظ یا جامع بودن قرآن دلیلی بر وجود ترتیب میان سوره‌ها نیست. ایشان بیان می‌دارد که فردی که هر آنچه را تا آن روز نازل شده حفظ و ضبط کرده باشد، حافظ یا جامع قرآن محسوب می‌شود. از این رو، ترتیب دادن میان سوره‌ها تا پایان حیات پیامبر (ص) و پایان نزول قرآن، امکان‌پذیر نبوده است (معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۸).

د: مصاحف صحابه و مصحف علی (ع)

آیت‌الله معرفت در کتاب خود به گردآوری مصحف‌های شخصی توسط برخی صحابه پس از رحلت پیامبر (ص) اشاره کرده و ترتیب سور در این مصحف‌ها را بیان می‌دارند (معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۱۳-۱۱۶؛ معرفت، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۷۵ و ۳۸۹). ایشان معتقدند که در مصحف گردآوری شده توسط امام علی (ع)، ترتیب دقیق آیات و سور بر اساس نزول آن‌ها رعایت شده بود. همچنین، قرائت آیات طبق قرائت پیامبر (ص) ثبت شده بود و این مصحف شامل تنزیل و تأویل، یعنی سبب نزول و تأویلات در حاشیه متن، بود (معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۹). به نظر می‌رسد آیت‌الله معرفت با ذکر این شواهد تاریخی، این نکته را مطرح می‌کنند که اگر قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع آوری شده بود، نباید تفاوتی در ترتیب سور این مصحف‌ها وجود می‌داشت و کسی از آن ترتیب عدول نمی‌کرد.

علامه طباطبایی نیز اختلاف در ترتیب سور مصحف‌های صحابه را دلیلی بر توقیفی نبودن ترتیب سوره‌ها می‌دانند و بیان می‌کنند که اخبار متواتری که دیگران در زمینه توقیفیت سور ادعای تواتر آن را دارند، مشاهده نمی‌شود (موسوی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۱۸۴).

در مقابل، علامه حسن‌زاده آملی معتقدند که ویژگی‌های ذکر شده برای مصحف امام علی (ع)، به خصوص رعایت ترتیب آیات و سور بر اساس نزول، ارتباطی با جمع آوری قرآن در زمان رسول اکرم (ص) ندارد. ایشان استدلال می‌کنند

که فرمایش امام علی (ع) مبنی بر آوردن کتابی کامل شامل تأویل، تنزیل، محکم، متشابه، ناسخ و منسوخ، دلالت بر مرتب نشدن قرآن در زمان پیامبر (ص) ندارد. به عقیده ایشان، این جمع‌آوری توسط امام علی (ع) که پس از پیامبر (ص) داناترین فرد به قرآن بودند، مانند اقدام دانشمندی است که ابعاد یک شیء را به تفصیل بیان کند و به معنای پراکنده بودن قرآن تا آن زمان و عدم انجام این امر مهم در زمان رسول خدا (ص) نیست (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۹).

ه: روایات عرضه جبرئیل بر پیامبر (ص)

در برخی روایات به این نکته اشاره شده که جبرئیل هر سال یک بار قرآن را بر پیامبر (ص) عرضه می‌کرد و در سال آخر حیات ایشان، این عرضه دو بار صورت گرفت. ابن اثیر در کتاب «النهایه» در ماده «ع رض» روایتی را نقل می‌کند که طبق آن، جبرئیل در هر سال یک بار قرآن را با پیامبر (ص) معارضه (مبادله و بررسی) می‌کرد و در سال آخر، این معارضه دو بار انجام شد. این معارضه به معنای مرور و درس گرفتن تمام آیاتی است که تا آن زمان نازل شده بود (ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ج ۳، ص ۲۱۲).

علامه حسن‌زاده آملی، با استناد به این روایات عرضه سالانه و دوگانه قرآن توسط جبرئیل، معتقدند که این امر نشان‌دهنده وجود ترتیب و نظم در سوره‌های قرآن نزد رسول اکرم (ص) است. ایشان بر این باورند که در نزول یکباره قرآن، اجزای کوچکتر مانند سوره‌ها و آیات، حتماً در قالبی منظم عرضه می‌شوند و از همین رو، علامه حسن‌زاده قائل به نزول دفعی قرآن نیز می‌باشند (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۹).

در مقابل، آیت‌الله معرفت، با توجه به اعتقادشان مبنی بر اینکه ترتیب سوره‌ها تا پایان یافتن نزول قرآن امکان‌پذیر نیست و تنها پس از پایان نزول، امکان نظم و ترتیب سوره‌ها فراهم می‌آید، با علامه حسن‌زاده در خصوص روایات عرضه قرآن هم‌داستان نیستند. ایشان جمع‌آوری قرآن را پس از پیامبر (ص) از مسلمات تاریخی می‌دانند و معتقدند که اولین کسی که به جمع قرآن مشغول شد، امام علی (ع) بودند که بر اساس روایات، شش ماه در منزل خود به این امر پرداختند (معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۸).

و: روایات نزول قرآن از لوح محفوظ

برخی روایات بیان می‌کنند که قرآن ابتدا از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل شده و سپس طی دوره‌ای بیش از بیست سال، به تدریج بر قلب پیامبر (ص) وحی شده است. به عنوان مثال، در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» اثر سیوطی، روایتی از کتاب «البرهان فی علوم القرآن» کرمانی نقل شده است که می‌گوید: «سوره‌ها دقیقاً به همین ترتیبی که در قرآن کنونی وجود دارد، در لوح محفوظ نیز ثبت شده‌اند. پیامبر (ص) نیز هر سال، همان بخشی از قرآن را که در آن سال نازل شده بود، با جبرئیل مقابله و بررسی می‌کردند.» (سیوطی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۲۱۴).

بر اساس این روایات، علامه حسن‌زاده آملی استدلال می‌کنند که نزول آیات قرآن بر اثر پرسش افراد، وقوع رویدادها، یا وجود حکمتی خاص صورت گرفته است. جبرئیل نیز جایگاه دقیق آیات و سوره‌ها را به پیامبر (ص) نشان می‌داده است. بنابراین، ترتیب سوره‌ها در قرآن، همان ترتیبی است که در لوح محفوظ نزد خداوند وجود دارد (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۰).

در مقابل، آیت‌الله معرفت این‌گونه تفاسیر را لطیف و ظریف می‌دانند و معتقدند که اگر مقتضیات و اسناد اثباتی برای

آن‌ها وجود داشته باشد، می‌توانند مناسب باشند. با این حال، ایشان تأکید می‌کنند که ظاهر آیات قرآن به همین قرآنی که در دسترس مردم است اشاره دارد و از قرآن دیگری که از دیدگان پنهان باشد، سخنی به میان نمی‌آورد (معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۶۲).

ز: حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که در آن پیامبر (ص) می‌فرمایند: "ای مردم، من در میان شما دو چیز گرانبها به ودیعت می‌گذارم؛ اگر به آن‌ها تمسک جوید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترت من، اهل بیت" (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۱۳)، به عنوان دلیلی دیگر بر ترتیب سور از دیدگاه علامه حسن‌زاده مطرح شده است. با توجه به عبارت متواتر "کتاب الله" و اشارات قرآنی مانند "ذلک الكتاب لاریب فیه" و "ان هذا القرآن"، مفهوم جمع‌آوری و تدوین قرآن در زمان پیامبر (ص) برداشت می‌شود (تقریرات آقای صمدی، فروردین ۹۴، آمل، جلسه ۲۳). آیت‌الله خویی نیز معتقدند که اطلاق لفظ "کتاب" بر قرآن توسط پیامبر (ص) نشان‌دهنده جمع‌آوری آن در زمان ایشان است، زیرا "کتاب" به مجموعه‌ای گفته می‌شود که در یک مجلد گردآوری شده باشد (خویی، ۱۳۹۴ ق، ص ۲۵۷-۲۷۸). در مقابل، آیت‌الله معرفت بر این باورند که جمع‌آوری قرآن در یک مصحف واحد در زمان پیامبر (ص) انجام نشده است، زیرا وحی هنوز به پایان نرسیده بود و انتظار نزول آیات جدید وجود داشت؛ لذا جمع‌آوری در آن مقطع زمانی در یک مجلد، اقدام مناسبی نبوده است (معرفت، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۴۴).

۲.۳. دلایل عقلی

آیت‌الله معرفت معتقد است مساله جمع‌آوری قرآن یک مسئله تاریخی است و نیاز به استنادات تاریخی دارد و یک مسئله عقلی نیست که برای آن استدلال بیاوریم. لذا ایشان فقط به دلایل روایی منقول و نصوص تاریخی بسنده کردند. (رک: معرفت، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۴۳) اما علامه حسن‌زاده دلایل عقلی را هم در تأیید توقیفیت ترتیب سور به کار بسته است که عبارتند از:

الف: عدم اختلاف در قرآن

قرآن کریم با تأکید بر عدم وجود اختلاف درونی در آیه ۸۲ سوره نساء (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا / آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند)، خود گواه انسجام و عدم اختلاف اجزای خویش است. علامه طباطبائی این آیه را بیانگر تحدی قرآن به نبود اختلاف در نظم، زیبایی، بلاغت، معنا، صحت و استحکام آن می‌دانند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۶۶).

علامه حسن‌زاده معتقدند ترتیب کنونی قرآن که مطابق با زمان رسول خداست، با ترتیب نزول تدریجی آن در طی بیست و سه سال، تفاوت دارد و جمع‌آوری آن به گونه‌ای که هیچ اختلافی در آن دیده نشود، توسط بشر قابل انجام نبوده است (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۷). ایشان همچنین بر این باورند که ترتیب سوره‌ها بر اساس سلیقه شخصی یا اجتهاد صورت نگرفته است، چرا که در این صورت می‌بایست سوره‌های مشابه مانند حوامیم‌ها و طواسین‌ها پشت سر هم قرار می‌گرفتند، در حالی که این‌گونه نیست و بین آن‌ها فاصله افتاده است. همچنین، بین طسم شعرا و طسم قصص با طس نمل فاصله وجود دارد، با اینکه سوره نمل از نظر حجم کوتاه‌تر از شعرا و قصص است (همان، ص ۵۱).

از دیدگاه علامه حسن‌زاده، قرآن کتابی منسجم است. نام "فرقان" به قرآن به دلیل نزول تدریجی آن اطلاق شده است. "فرقان" از ریشه "فرق" به معنای جدایی و فصل است و دارای تقدیم و تأخیر در آیات و سوره‌ها می‌باشد. تنظیم

قرآن بر اساس نزول دفعی صورت گرفته است، لذا پس از جمع و تدوین در زمان پیامبر (ص)، «فرقان» به «قرآن» تبدیل شد (تقریرات آقای صمدی آملی، فروردین ۹۴، آمل، جلسه ۱۹).

ب: دعوت به تحدی

تحدی به معنای دعوت به مبارزه است و خداوند در قرآن کریم، بندگان را به مبارزه فراخوانده و می‌فرماید: (قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا / بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را کمک کنند) (اسراء/۸۸). علامه حسن‌زاده با استناد به این آیه بیان می‌کند که پس از قرن‌ها، کسی نتوانسته ادعا کند که آراستگی معجزه‌آسای قرآن در سوره‌ها به فرمان خدا و پیامبرش نبوده است (حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۸). آیت‌الله خویی نیز مسئله تحدی را یکی از دلایل توقیفی بودن ترتیب سور می‌داند (خویی، ۱۳۹۴ ق، ص ۲۵۷-۲۷۸).

در مقابل، آیت‌الله معرفت معتقدند که تحدی به آوردن آیات و سوره‌ها مربوط می‌شود، نه به ترتیب بین سوره‌ها، بنابراین نمی‌توان از آن استدلال کرد. ایشان همچنین اشاره می‌کنند که آیات تحدی در سور مکی (مانند یونس و هود) نازل شده‌اند، در حالی که قرآن در مکه به طور کامل نازل نشده بود (معرفت، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۴۳). آیت‌الله معرفت بر این باورند که هیچ تناسب ذاتی بین یک سوره و سوره قبل و بعد از خود وجود ندارد و مخالفان دلیلی بر ادعای خود ارائه نکرده‌اند (همان، ص ۳۴۴). لازم به ذکر است که در سوره بقره نیز آیه تحدی وجود دارد که مدنی است. با این حال، این سوال مطرح است که آیا تاکنون از ترتیب سوره‌ها بهره‌برداری خاصی صورت گرفته است که در صورت تغییر آن، خللی وارد شود یا خیر.

ج: فهم نادرست روایات جمع آوری قرآن توسط علی بن ابی طالب (ع)

علامه حسن‌زاده آملی معتقد است که عده اندکی به اجتهاد صحابه در ترتیب سور قائلند، که مستندشان حدیثی مبنی بر جمع‌کننده بودن علی (ع) است. اگر فرض کنیم ترتیب سوره‌ها پس از پیامبر (ص) صورت گرفته، علی (ع) به عنوان اولین جمع‌کننده، با توجه به علم کامل به زمان و شأن نزول آیات، این کار را انجام داده و صحابه از او آموخته‌اند. همه مسلمانان متفق‌اند که علی (ع) در زمان پیامبر (ص) حافظ قرآن و عرضه‌کننده آن بر ایشان بوده‌اند (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۳). در مقابل، اهل حدیث معتقدند تأخیر علی (ع) در بیعت با ابوبکر، به دلیل اشتغال به جمع‌آوری قرآن بوده و این نشان می‌دهد قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع نشده است؛ در حالی که شیعه این تأخیر را ناشی از عدم تمایل به بیعت می‌داند (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۳-۵۴).

روایاتی وجود دارد که علی (ع) قرآن را بر وفق نزول جمع کرده است (رک: معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰۹). اما آیت‌الله معرفت در جای دیگر بیان می‌کنند که پیامبر (ص) با اهتمام، آیات هر سوره را مرتب و به علی (ع) برای جمع‌آوری وصیت کرده‌اند (رک: معرفت، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۴۴). این امر سوالی را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان بین وصیت پیامبر (ص) به علی (ع) برای جمع‌آوری قرآن و جمع شدن مصحف علی (ع) بر وفق نزول، جمع کرد؟ زیرا تا لحظه وفات پیامبر (ص)، آیات طبق وحی در جای خود قرار داشتند و حضرت علی (ع) تمام آیات را بر مبنای نزول مرتب نکرده‌اند، که در غیر این صورت، مثلاً آیه ۲۸۱ بقره، که گمان می‌رود آخرین آیه نازل شده است، باید در پایان مصحف علی (ع) قرار

می‌گرفت.

به نظر می‌رسد دانستن نام سوره‌ها، پرسش درباره آنها، حافظ قرآن بودن، عرضه آیات بر پیامبر (ص) و سفارش ایشان به یادگیری از افراد خاص، دلیل بر ترتیب سوره‌ها نیست، چرا که این موارد می‌توانند رخ دهند بدون اینکه ترتیبی بین سوره‌ها وجود داشته باشد. با این حال، حدیثی در مجمع البیان نقل شده که پیامبر (ص) فرمودند: «به جای تورات به من سبع طوال داده شد...». اگر سند این حدیث صحیح باشد، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که سور قرآن در زمان پیامبر (ص) دارای ترتیب نسبی بوده و در گروه‌هایی جای می‌گرفتند، که این ترتیب در مصاحف صحابه نیز گزارش شده است، مانند سبع طوال که هفت سوره ابتدایی قرآن است.

اگر با دلایل علامه حسن‌زاده بپذیریم که با توجه به اهتمام پیامبر (ص) در حفظ و نگهداری قرآن و اخبار جمع و تدوین آن در زمان حیات ایشان، ترتیب سور توقیفی و به دستور آن حضرت بوده است. در مقابل، روایاتی وجود دارد که مستند آیت‌الله معرفت است و بیانگر جمع قرآن پس از رحلت پیامبر (ص) می‌باشد. بررسی‌های تاریخی که از نظر آیت‌الله معرفت پژوهشی محققانه تلقی می‌شود، گویای این مطلب است که جمع قرآن پیش از رحلت رسول اکرم (ص) انجام نشده و در زمان خلفا توسط بزرگان صحابه صورت گرفته است؛ زیرا امکان نداشت، چون وحی منقطع نشده بود و هر لحظه احتمال نزول آیه یا سوره‌ای می‌رفت. گویی بیان این مطلب، با توجه بیشتر به کتب اهل سنت صورت گرفته است. در حالی که ادامه دار بودن وحی با ترتیب سوری که قبلاً نازل شده، منافاتی ندارد، زیرا در هر زمان می‌توان آیه یا سوره آخر را در جای خود قرار داد و مصحف را کامل کرد.

۴. قرائات

قرائت از ریشه «قرأ» و «قرو» به معنای «خواندن، بازگو کردن» و همچنین «جمع کردن و کنار هم نهادن» گرفته شده است (رک: فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۱۰). ابن جزری علم قرائات را اینگونه تعریف می‌کند: «علم قراءات آگاهی از کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلافات موجود در ادای آن با انتساب هر وجهی به راوی آن است» (رک: ابن جزری، ۱۳۵۰ ق، ص ۳).

در اوایل اسلام، رسم الخط عربی ابتدایی بود و فاقد نقطه و برخی حروف مشابه بود. این موضوع در نسخه‌برداری‌ها پس از رحلت پیامبر (ص) مشکلاتی ایجاد کرد. در نتیجه، مسلمانان در مناطق مختلف اسلامی، برخی کلمات را متفاوت از یکدیگر قرائت کردند و با گذشت زمان، اختلاف قرائات شکل گرفت (رک: معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۶۶-۱۷۱). از آنجایی که اختلاف قرائات توسط برخی به عنوان دستاویزی برای ارتباط دادن قرائات با تحریف قرآن مورد استفاده قرار گرفته است، بررسی این موضوع ضروری به نظر می‌رسد. هدف این بحث، یافتن پاسخ این سوال است که آیا وجود اختلاف قرائات دلیلی بر تحریف قرآن است یا خیر. بنابراین، با توجه به هدف این مقاله، بحث تواتر قرائات مطرح شده و ارتباط قرائات با تحریف قرآن از منظر دو شخصیت مورد بررسی قرار گرفته است.

۴.۱. تواتر قرائات هفتگانه و تحریف ناپذیری قرآن:

تواتر از ریشه «وتر» به معنای پی در پی آمدن است و در علم حدیث به معنای اینکه روایتی از طرق مختلف بسیاری گزارش شود به‌گونه‌ای که به صحت خبر اطمینان حاصل و احتمال تبانی و تکذیب مرتفع گردد (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۲۷۶؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۶ و مجاهد، بی‌تا، ص ۴۲۸). ابن جزری قرائات متواتر را قرائتی

می‌داند که با قواعد زبان عربی و رسم‌الخط عثمانی هماهنگ باشد و به صورت متواتر نقل شده باشد (ابن جزری، ۱۴۲۰ق، ص ۱۸). زرقانی بیان می‌کند که بین قرائات هفتگانه و تواتر قرآن تلازمی وجود ندارد زیرا خود قرآن متواتر است و این تواتر را از قرائات نمی‌گیرد (رک: فخاری، ۱۳۸۹ش، ص ۳۴۳ به نقل از زرقانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۴۰). بدرالدین زرکشی این تمایز را پایه‌گذاری کرد و مبنای تحقیقات عالمان بعدی قرار گرفت (رک: زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶).

محدث نوری تحریف را به معنای زیادی و نقصان در الفاظ قرآن می‌داند و اختلاف قرائات را مستلزم تحریف می‌پندارد (رک: نوری، بی‌تا، ص ۲۱۰). علامه حسن‌زاده از دلایل عدم تحریف قرآن، قرائت به قرائت‌های هفتگانه متواتر را ذکر می‌کند که جواز قرائت آن‌ها از سوی غالب علما صادر شده است. ایشان مبنای تواتر قرائات را سماع می‌داند و بر این اساس تصریح می‌کند که اختلاف در بعضی کلمات قرآن، شاکله آن را تغییر نمی‌دهد و بنیه قرآن ثابت است (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۱ش، ص ۷۹؛ ۸۱-۸۲). ایشان مثال می‌زنند که اگر قرآن هفتاد هزار کلمه دارد، فقط حدود هزار کلمه دارای اختلاف هستند، در حالی که سایر کلمات در محل خود باقی‌اند (رک: تقریرات آقای صمدی، فروردین ۹۴، آمل، جلسه ۳۷).

علامه به نقل از مجمع البیان می‌گوید همه قراء واژه «معایش» را در آیه مورد بحث بدون همزه قرائت کرده‌اند، در حالی که قرائت نافع با مد و همزه شاذ و جایز نیست (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۱ش، ص ۷۹-۸۰). بر این اساس، اعتبار قرائتی خارج از قراء سبعة زمانی است که با قراءات هفتگانه مطابقت داشته باشد، زیرا موارد شاذ مردود است. علامه حسن‌زاده در نهایت با اثبات بنیه و شاکله ثابت قرآن و اعتقاد به تواتر قرائات هفتگانه، عدم تحریف قرآن و دست نخورده ماندن این کتاب آسمانی را نتیجه می‌گیرد.

این در حالی است که نظرایت الله معرفت بر نفی تواتر قرائات سبع است. ایشان در کتاب خود می‌گوید بسیاری از فقها مسئله تواتر قرائات سبع را مطرح کرده و گمان به تواتر این قرائات برده‌اند و برای آن حجیت شرعی قائلند که نماز گزار می‌تواند در نماز یکی از این هفت قرائت را برگزیند. ولی محققین این تواتر را قابل تصور ندانسته و آن را انکار می‌کنند. (رک: معرفت، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷۵)

وی معتقد است که قاریان طبق اجتهاد شخصی به این قرائات رسیدند و هرگز مستند به نقل و روایت نیستند و می‌گویند تواتر برای کسی حجیت دارد که نسبت به خود او حاصل شده باشد نه دیگران و اگر نقل از پیامبر (ص) به قراء و از آنان به دیگران رسیده باشد متواتر نیست زیرا می‌بایست از مبدأ تا مقصد در تمامی طبقات تواتر داشته باشد و منحصر شدن قرائت به شخص قاری در زمان او نشان می‌دهد که تنها او ناقل این قرائت بوده و در زمان وی تواتر نداشته است. (رک: همانجا)

همچنین از هیچیک از قراء به نقل صحیح نقل نشده است که قرائت خود را به سماع و یا نقل متواتر از پیامبر (ص) مستند کرده باشند. و اگر هم به فرض چنین باشد بازهم متواتر نبوده زیرا هر قاری در طبقه خود به تنهایی نقل می‌کند. (رک: همان، ص ۱۷۹)

آیت الله خوئی در این زمینه می‌گوید: لازمه تواتر قرآن، تواتر قرائت‌ها نیست چرا که اختلاف در کیفیت تعبیر کلمه با اتفاق بر اصل کلمه منافات ندارد. (رک: خوئی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۷۵)

آیت الله معرفت معتقد است سخن آیت الله خوبی دلیل قاطع و روشنی است بر رد نظر کسانی که تواتر قرآن را محصور به تواتر قرائت‌های هفتگانه می‌دانند. (رک: معرفت، ۱۳۷۱ ش، ص ۹۴) آیت الله معرفت فقط یک قرائت را متواتر می‌داند که منطبق بر قرائت عاصم به روایت حفص است و از طریق تواتر این قرائت براساس اسناد تاریخی، تواتر قرآن را ثابت می‌کند و ضرورتاً به دنبال اثبات تواتر قرآن دیگر جایی برای تحریف قرآن باقی نمی‌ماند. (رک: معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷۶ و نصیری، ۱۳۸۸ ش، ص ۵۷)

دلایلی که هر دو اندیشه‌مند برای تبیین نظر خود در این باره به کار برده اند عبارتند از:

۴.۱.۱.۱. تقریر ائمه (ع) نسبت به قرائات متداول

علامه حسن زاده می‌گوید تقریر ائمه (ع) در تأیید قرائات هفتگانه است. به این شکل که این قرائات در عصر ایشان جایز بود. اهل بیت (ع) مردم را از گرفتن این قرائات منع نمی‌کردند، و قرائت خاندان عصمت همه جا موافق یکی از این قرائات است و کم اتفاق افتاده که قرائتی از قراء روایت شود که غیر از متواتر باشد. (رک: حسن زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۸۱). در مقابل آیت الله معرفت نظر دیگری دارد و می‌گوید فقهایی که تخییر در قرائات سبع را مجاز شمردند روایت (اقرؤا كما یقرأ الناس) را در مقابل روایتی از امام صادق (ع) دلیل بر مدعای خود گرفتند که می‌فرماید: "ان القرآن واحد نزل من عند واحد..." (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲ ص ۶۳۰، حدیث ۱۲) که گویی قرائت اصلی در میان این قرائات هفت گانه واقع شده و برای تسهیل مردم را ملزم به شناخت یک قرائت نکردند. (رک: معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۲۳)

وی به نقل از صاحب مستمسک العروه می‌گوید این حدیث (اقرؤا كما یقرأ الناس) نمیتواند ناظر بر قرائات سبع باشد چراکه حصر قرائات تقریباً دوقرن پس از صدور این حدیث واقع شده و ناظر بر تمام قرائات رایج عصر ائمه (ع) می‌باشد. همچنین بزرگانی چون زرکشی و خویی معتقدند "القرآن و القرائات حقیقتان مغائرتان... قرآن و قرائات دوحقیقت مجزا هستند" قرآن وحیی است که بر پیامبر (ص) فرد آمده و اختلاف قرائات مولود اجتهاد صحابه است. لذا حدیث (اقرؤا كما یقرأ الناس) اشاره به همان حقیقتی است (قرآن) که در دست مردم جریان دارد. (رک: همان)

البته آیت الله معرفت در کتاب خود اشاره‌ای به این مسئله دارند که شاید حدیث امام صادق "ان القرآن واحد..." ناظر بر تفسیر حدیث "سبعة احرف" باشد و معتقد است که این روایت به قرائات سبعة مربوط نبوده و ناظر بر لهجه‌های عرب است. (رک: همان)

۴.۱.۱.۲. منتهی شدن همه قرائت‌ها به یک نفر

یکی از دلایل علامه حسن زاده این است که در کتاب ابن ندیم آمده است: این هفت قاری قرائتشان را از ابن ابی عبد الرحمن سلمی گرفتند که او از امیرمؤمنان (ع) و ایشان از پیامبر (ص) گرفته است. (رک: تقریرات آقای صمدی، فروردین ۹۴، آمل، جلسه ۳۷).

آیت الله معرفت نیز می‌گوید قرآن‌های چند قرن اخیر یکنواخت بوده و همه طبق قرائت حفص از عاصم است که او از استاد خود ابو عبدالرحمان سلمی و وی از امیر المومنین (ع) و ایشان از نبی اکرم (ص) گرفته است. (رک: معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۶۶)

اما مسئله بر سر تواتر سایر قرائات است. آیت الله معرفت برآن است که جز قرائت عاصم قرائت سایر قراء دارای سند نیست و نویسندگان کتب قرائات سلسله مشایخ قراء را به عنوان سند معرفی کردند در حالیکه سلسله مشایخ را نمی‌توان

سلسله اسناد روایت گرفت. زیرا شاگردی که نزد استادی تربیت یافته راوی او محسوب نمی‌شود. (رک: معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷۶)

و نیز می‌گوید این قرائات از زمان ما تا اهل بیت (ع) می‌بایست متواتر باشد ولی تواتر این قرائات به شخص قاری منتهی می‌شود. بدین سبب که وقتی یکی از آنها استاد و کاردان می‌شد به طریقه‌ای که دیگران به آن معتقد بودند گام نمی‌نهاد و عقیده متواتر محدود را نمی‌پذیرفت و گرنه آن قرائت مختص به او نمی‌شد. (رک: همان، ص ۱۷۵)

علامه می‌گوید این قرائات از عصر ائمه تا کنون متواتر بوده و قرائت همه قاریان به ابی عبدالرحمن سلمی برمیگردد که او از علی (ع) و او از پیامبر (ص) قرائت کرده است. بلکه پیغمبر (ص) نیز اختلاف قرائات را جایز دانسته، قرائاتی که از صدر اسلام تا کنون مسلمانان به طور اجماع آن را پذیرفته اند و اجماع مسلمین در هر عصری به سماع بوده است. ایشان می‌افزاید مخالفت عده‌ای که اهل خبره نیستند این قول را بی‌اعتبار نمی‌سازد. (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۱ ش، ص ۸۶ و ۱۲۱)

۴. ۱. ۳. تصریح بزرگان نسبت به قرائات سبعة

مخالفت برخی از بزرگان با قراء سبعة دلیل دیگر آیت الله معرفت بر عدم تواتر این قرائات است. مانند احمد ابن حنبل که با بسیاری از قرائت‌های حمزه مخالفت می‌کرد. همچنین مخالفت تعدادی از دانشمندان علم نحو و ادب در مورد غلط بودن برخی کلمات در قرائت‌های قراء بزرگ. ابن قتیبه در فصلی از کتاب خود نمونه‌های خطاهای قراء معروف مانند حمزه و نافع را گرد آورده و می‌گوید کمتر کسی از این طبقه است که دچار غلط و اشتباه نشده باشد. (رک: ابن قتیبه، ۱۳۹۳ ق، ص ۶۱ و معرفت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷۹-۱۸۰)

آیت الله معرفت به نقل از امام خمینی می‌گوید قرآن منزل همین کتاب موجود بین الدفتین است، نه افزایشی در آن صورت گرفته و نه کاهشی در آن رخ داده و اختلاف در قرائات امر حادثی است که در نتیجه اختلاف اجتهادات قاریان حاصل شده است بی‌آنکه با وحی قرآنی که توسط جبرئیل بر قلب پیامبر (ص) نازل شده ارتباطی داشته باشد. (رک: نصیری، ۱۳۸۸، ص ۹۹ به نقل از تهذیب الاصول، تقریرات امام به قلم سبحانی، ج ۲، ص ۱۶۵)

ایشان معتقد است نص اصلی همان است که در مصحف ضبط شده و امت به عنوان نص واحد برآن اجماع کرده اند اما اختلاف از جهت کتابت و اسلوب تعبیر است و با ثبوت تواتر اصل منافاتی ندارد. اختلاف قراء ناشی از اجتهاد خود آنان در تعبیر کلمه بوده در حالی که وحدت نص در مصحف ثابت است و اختلاف قاریان به علت خالی بودن مصحف اولیه از هرگونه علامت، نقطه و الف بوده و اینها به خاطر بی‌اطلاعی عرب آن موقع از اصول کتابت بوده است. (رک: معرفت، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۹۵)

مطالب گفته شده را می‌توان اینگونه جمع بندی کرد که مبنای علامه حسن‌زاده در قرائات سماع است. علامه بخش متواتر قرائات هفتگانه را جایز می‌داند، چرا که معتقد است اکثر قاریان قرائت خود را از ابوعبدالرحمن سلمی گرفته که وی از امیر المومنین (ع) و ایشان از پیامبر (ص) گرفته اند. همچنین تقریر ائمه به جواز قرائات زمان خود دلیل محکمی است که بخش متواتر قرائات سبعة جایز است. به نظر میرسد این ملاکها عمدتاً در قرائت حفص از عاصم نمود دارد چراکه حفص در حفظ و نگهداری قرائت عاصم بسیار کوشا بوده است. در نگاه آیت الله معرفت نیز چنین است. ایشان تنها

قرائت حفص از عاصم را در بردارنده ویژگیهای کامل قرائت صحیح و متواتر میداند که علاوه بر داشتن سند صحیح متصل به پیامبر، دارای اعتبار و مقبولیت نزد بزرگان دین و متداول میان مردم بوده است. ضمن اینکه ایشان قرائت‌های هفتگانه را متواتر نمی‌داند و معتقد است تقریر ائمه در باب قرائت زمان خود، ناظر به قرائت متداول میان مردم بوده و قرائت سبعه بعدها شکل گرفته و قراء بر اساس اجتهادشان به آن دست یافتند نه سماع.

به نظر می‌رسد با وجود قراءات هفتگانه و ده گانه و چهارده گانه که از قرن دوم به بعد شکل گرفتند و هرکدام دارای اختلافاتی با دیگری هستند، اگر اکنون در جهان اسلام قرآن واحدی در دست مسلمین است نشان از دارد که شاکله تمام این قرائت یکسان بوده و اختلاف در بخش اندکی از آنهاست و اگر قسمت اعظم این قرائت متواتر و مطابق قرائت حفص از عاصم نمی‌بود اکنون شاهد تعدد مصحف‌های گوناگون بودیم. اگرچه آیت الله معرفت با توجه به نبود سند قائل به تواتر قرائت هفتگانه نیستند و قرائت آنها را جایز نمی‌دانند ولی گویی این کلام ایشان با کلام علامه حسن‌زاده که بخش متواتر قرائت هفتگانه را جایز شمرده اند تنافی ندارد و آنچه هردو متواتر می‌دانند یکسان است چراکه علامه شواذ قرائت هفتگانه را متواتر ندانسته و فقط نظر به بخش متواتر قرائت دارد که وجه مشترک آنها قرائت حفص از عاصم است.

اگر بپذیریم که اختلاف قراء ناشی از اجتهاد خود آنان است با این حال نص اصلی همان است که در مصحف ضبط شده و به عنوان نص واحد برآن اجماع شده است و اختلاف از جهت کتابت و اسلوب تعبیر است و با ثبوت تواتر اصل، تنافی ندارد. و تنها اختلاف علامه حسن‌زاده و آیت الله معرفت در این است که علامه قرائت‌های هفتگانه را تنها در موارد متواترشان، متواتر می‌داند ولی آیت الله معرفت منکر تواتر این قرائت شده و تنها قرائت عاصم را متواتر می‌داند و علامه حسن‌زاده با متواتر دانستن قرائت‌های هفتگانه و ثابت ماندن بنیه قرآن عدم تحریف آن را نتیجه می‌گیرند و این نتیجه از دیدگاه آیت الله معرفت با متواتر دانستن قرائت عاصم با توجه به اسناد تاریخی، حاصل شده است.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از بررسی آراء علامه حسن‌زاده و آیت الله معرفت در زمینه بحث به این نتیجه رسیدیم که هردو بزرگوار بر اساس اخبار متواتر و دلالت آیات تحدی قائل به توقیفیت ترتیب آیات بوده ولی در باب توقیفیت سور هم داستان نیستند.

علامه به دلیل شناخته شده بودن سوره‌ها در زمان حیات پیامبر (ص) و روایات جمع قرآن در زمان رسول اکرم (ص) و روایات دال بر عرضه و سماع صحابه و عرضه جبرئیل قرآن را بر پیامبر (ص) و نزول قرآن از لوح محفوظ و دلالت حدیث ثقلین و برخی آیات قرآن بر لفظ "کتاب" معتقد است که قرآن یک موجودیت واحد دارد و در حین نزول تدریجی در قالب فرقان بر پیامبر (ص) نازل شده و پس از جمع آوری بر وفق قرآن یکپارچه تنظیم شده است لذا ترتیب سوره‌ها، بر اساس فرمان پیامبر (ص) انجام گرفته است. ایشان عدم اختلاف در قرآن و وجود آیات تحدی که مخالفان را دعوت به مبارزه برای همانند سازی قرآن می‌کند را از جمله دلایل عقلی برای اثبات توقیفیت ترتیب سور می‌داند.

آیت الله معرفت بر اساس روایات وارده و نصوص تاریخی معتقد است که جمع آوری قرآن پس از رحلت نبی اکرم (ص) و به دست خلفا واقع شد و این مساله یک مسئله تاریخی است و نمیتوان برای آن دلایل عقلی اقامه کرد و می‌گوید هیچگونه تناسب ذاتی بین سوره‌ای با سوره‌های قبل و بعدش نیست. ایشان به دلیل نبودن سند برای قرائت سبعه و وجود قرائت‌های شاذ در میان آنها و مخالفت دانشمندان با قسمتهایی از این قرائت قائل به عدم تواتر قرائت سبعه شده

اند؛ ایشان معتقد است قرآن و قرائات دو چیز متفاوت است و قرآن همان حقیقتی است که در دست عموم مردم است و اجماع امت بر ثبوت تواتر نص اصلی است و تقریر ائمه نسبت به قرائات ناظر بر قرائت متداول میان مردم است نه بر قرائات سبعه. لذا تفاوتی که در قرائات مختلف دیده می‌شود دلیل بر تحریف قرآن نیست چراکه قرائت متواتر همان قرائت عاصم است که دارای سند بوده و سینه به سینه نقل گشته و دارای تواتر است و از محکم‌ترین دلایل ابطال شبهه تحریف می‌باشد.

علامه حسن‌زاده معتقد است که مبنا در قرائات سماع است نه اجتهاد و از آنجا که سند تمام قرائت‌ها به ابو عبد الرحمن سلمی و از او به علی (ع) و از او به پیامبر (ص) منتهی می‌شود، علما این قرائات را جایز شمرده اند و قرائت‌های هفتگانه در قسمت متواترشان، متواتر هستند و بخش‌های شاذ این قرائات متواتر نیست. همچنین ایشان قرائت قرآن به قرائت‌های هفتگانه را از جمله دلایل عدم تحریف قرآن و حفظ شاکله آن می‌داند.

بر اساس تواتر قرآن می‌توان گفت دیگر جایی برای احتمال تحریف باقی نمی‌ماند چراکه تمام حروف، کلمات و الفاظ قرآن به تواتر به ما رسیده و آنچه ادعا می‌شود از قرآن ساقط شده بر اساس خبر واحد است که محلی از اعتنا ندارد.

۶. منابع

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۴۱۶ق)، *الفهرست*، ضبط و شرح دکتر علی طویل، یوسف، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
۳. ابن قتیبه، (۱۳۹۳ق)، *تأویل مشکل القرآن*، قاهره: دارالتراث.
۴. ابن جزری، (۱۳۵۰ق)، *منجد المقرئین*، قاهره: مطبعه الوطنیه الاسلامیه.
۵. -----، (۱۴۲۰ق)، *بیروت: دار الکتب العلمیه*.
۶. استادی، کاظم، (بی‌تا)، *کتابشناسی عدم تحریف قرآن*، تهران: سازمان حج و زیارت.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۷۱ش)، *فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب رب الارباب*، ترجمه محمدی شاهرودی، عبدالعلی، (قرآن هرگز تحریف نشده)، قم: انتشارات قیام.
۹. خوبی، (۱۳۹۴ق)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات علمیه.
۱۰. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق مرعشی، یوسف و دیگران، بیروت: دار المعرفه.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف فی حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۵۵ش)، *تهذیب الاصول*، تقریرات درس امام خمینی، قم: چاپ مهر.
۱۳. سجستانی، سلیمان، (۱۹۳۶م)، *مصاحف*، مصر: مکتبه رحمانیه.
۱۴. سیوطی، جلال الدین بن عبد الرحمن، (۱۳۸۹ش)، *الاتقان فی علوم القرآن*، مترجم حائری قزوینی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. -----، (بی‌تا)، *تدریب الراوی*، تحقیق: عبدالوهاب عبد الطیف، ریاض: مکتبه الرياض الحدیثیه.

۱۶. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، تحقیق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۷. صمدی آملی، (۱۳۹۴)، *تقریرات و جلسات*، آمل: حسینیه علامه.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. -----، (۱۳۵۳ش)، *قرآن در اسلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. عز الدین، ابن اثیر، (۱۳۹۹ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۸ق)، *العین*، بیروت: نشر اعلمی.
۲۲. فخاری، سعید، (۱۳۸۹ش)، *محکم و متشابه*، نسخ و قرائات از دیدگاه آیت الله معرفت، تهران: هستی نما.
۲۳. فضل بن حسن، طبرسی، (۱۳۶۰ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مترجمان، تحقیق ستوده، رضا، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۴. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۳۶ش)، *منهج الصادقین*، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تحقیق غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. محمد عبد العظیم، زرقانی، (۱۴۲۷ق)، *مناهل العرفان*، مصر: دار السلام.
۲۷. مجاهد، سید محمد، (بی تا)، *مفاتیح الاصول*، قم: موسسه آل البيت.
۲۸. مجد الدین، ابن اثیر، (۱۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، تحقیق طناحی، محمود محمد، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۹. مسعودی، عبد الهادی، (۱۳۸۸ش)، *وفادار مرادی*، محمد، تحفه الاولیاء، ترجمه اصول کافی، قم: دار الحدیث.
۳۰. معرفت، محمد هادی، (۱۳۹۰ش)، *علوم قرآنی*، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
۳۱. -----، (۱۴۱۲ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم.
۳۲. -----، (۱۳۷۱ش)، *آموزش علوم قرآنی*، ترجمه و کیلی، ابو محمد، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۳. موسوی همدانی، سید محمد باقر، (۱۳۷۴ش)، *ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۴. نصیری، علی، (۱۳۸۸ش)، *تحریف ناپذیری قرآن ترجمه (صیانه القرآن من التحریف)*، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی، (بی تا)، *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، قم: چاپ سنگی کتابخانه آیت الله حائری مدرسه فیضیه، شماره ثبت ۹۱۲۳.
۳۶. هلالی، سلیم بن قیس، (بی تا)، *سقیفه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.